

طرح و ایده : نمایشنامه

کاست آخر

نویسنده : مهدی ایروانی ۰۹۱۳۹۶۰۷۱۹۳

کارگردان : مینا طاهری ۰۹۱۳۷۲۶۷۱۶۵

این نمایشنامه داستان جوانی را روایت می کند که در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، با پوشش و لباس رزمندگان، کمک های مردمی را اخاذی کرده و بالا می کشد، علاوه بر آن در پوشش آنان، به فروش سی دی ها و نوارهای از مرز گذشته همت می گمارد تا جایی که با ماشین خود که از همان پیکان جوانان معروف هست به عنوان وسیله ای برای اعمال این حربه ها، استفاده می کند.

اما یک روز به ناگاه توسط مامورین شناسایی گشته و برای فرار از دست ایشان، در صندوق عقب پنهان می شود. پس از توییح اتومبیل و پیاده شدن پنهانی جوان، وی قصد خارج کردن وسیله را از پارکینگ حفاظت شده دارد، اما به ناگاه انفجاری در آن نزدیکی اتفاق می افتد که او را ناچار میسازد تا از ترس آمدن ماموران در ماشین قایم شود.

از آنجا که به گفته هایش از کودکی به هنگام غلبه بر ترس، باید آهنگی را بشنود، سریع دست به کار میشود اما به خاطر ثبت وضبط نوار کاست توسط ماموران از قبل، مجبور به روشن کردن رادیو می شود و بالاتفاق با یکی از سخنرانی های دلنشین امام در رابطه با جبهه های حق علیه باطل رو به رو میشود. کمی بعدتر او را میبینیم که لباس رزمندگان پوشیده و برای انجام وظیفه راهی خط مقدم میشود.